از هراره تا تهران - ۳۸

در دیدار صمیمانه آیت‌الله خامنه‌ای و فیدل کاسترو چه گذشت؟

چهارشنبه روز پُردیداری است. همراهان آقای خامنه‌ای نگرانند که برنامه‌ها درست اجرا نشود و قرارها به هم بخورد. هشت نفر از رهبران و رؤسای جمهور قرار است با آقای خامنه‌ای دیدار داشته باشند. شش نفر در محل اجلاس و دو نفر در ویلا.

یکی از دیدارها با «یوری موسوینی» مردی با چهرهٔ دردکشیدهٔ کاملاً سیاه، رئیس‌جمهور اوگاندا است. بحث به جنگ می‌کشد؛ او هم تا قبل از شنیدن نطق دیروز، خبر زیادی از جنگ نداشته، سؤال می‌کند: منظور شما از تنبیه صدام چیست؟ آقای خامنه‌ای جواب می‌دهند: ما حاضریم تنبیه را به دیگران واگذار کنیم، ولی اگر آنها در این زمینه موفق نباشند، ما رأساً تنبیه را به عهده می‌گیریم. رئیس‌جمهور اوگاندا در آخر دیدار می‌گوید: انقلاب شما، یک انقلاب مردمی و تاریخی است و به همین دلیل، امپریالیسم از آن لرزید. ما سعی می‌کنیم در اوگاندا از شما الگو بگیریم.

*** در آخر دیدار، ساموراماشال عرف‌های دیپلماتیک را کنار می‌گذارد و می‌گوید: ببین برادر، اینها را که می‌بینی آنجا نشستند (به سالن اجلاس اشاره می‌کند) همه‌شان از آمریکا می‌ترسند.**

آقای خامنه‌ای در دیدار با رئیس‌جمهور یوگسلاوی، بیشتر در مورد جنبش صحبت می‌کنند.

یوگسلاوی، روزی با رهبری مارشال تیتو، از بند شوروی رها، و یکی از پایه‌های تشکیلات جنبش عدم‌تعهد شد. جایگاه یوگسلاوی برای همین، مهم و اثرگذار است و آقای خامنه‌ای هم گلایه‌هایشان از جنبش را با او مطرح می‌کنند: «علاج مشکلات جنبش، بازگشتن به همان اصول اولیهٔ عدم‌تعهد است. در نطق هم اشاره کردم. دراین صورت جنبش می‌تواند از نفوذ ابرقدرت‌ها نجات پیدا کند. شما ببینید در زمینهٔ آفریقای جنوبی؛ این مایهٔ ضعف غیرمتعهدهاست که در همسایگی آفریقای جنوبی، در زیمبابوه، نتوانند تصمیم قاطع و تعیین‌کننده‌ای برای نجات این کشور بگیرند. در مورد جنگ ما با رژیم عراق هم همین‌طور.»

رئیس‌جمهور یوگسلاوی فقط گوش می‌کند. او که حرفی برای گفتن ندارد، همان حرف‌های کلیشه‌ای این نوع دیدارها را تکرار می‌کند، افزایش روابط و... فاصلهٔ این دولت یوگسلاوی با دولتِ مستقل مارشال تیتو زیاد شده است.

بعد از دو دیدار کوتاه و ساده با رؤسای جمهور اتیوپی و نیجریه، آقای خامنه‌ای در دیدار با «ساموراماشل» رئیس‌جمهور موزامبیک، بیشتر وقت می‌گذارند.

ماشل مرد مبارزی است که کشورش را از استعمار نجات داده. موزامبیک امروز هم به‌عنوان یکی از کشورهای خط مقدم مبارزه با رژیم نژادپرستِ آفریقای جنوبی، از پایگاه‌های مهمِ انقلابیون و گروه‌های ضدِ آپارتاید است. آقای خامنه‌ای، حدود یک سالِ پیش از این دیدار، به آنجا رفته و ساموراماشل را دیده بودند. ماشل که از نطق‌های آقای خامنه‌ای در مورد جنوب آفریقا به وجد آمده بود، در این دیدار هم مرتب از آن تعریف می‌کند. صحبت‌ها همه بر سر آفریقای جنوبی و راه‌های شکست دادن رژیم آپارتاید است. در آخر دیدار، ساموراماشل عرف‌های دیپلماتیک را کنار می‌گذارد و می‌گوید: ببین برادر، اینها را که می‌بینی آنجا نشستند (به سالن اجلاس اشاره می‌کند) همه‌شان از آمریکا می‌ترسند.

مترجم با تعجب ترجمه می‌کند.

بعد می‌گوید: تازه، من هم می‌ترسم.

آقای خامنه‌ای سریع جواب می‌دهند: اما ما هیچ نمی‌ترسیم.

می‌گوید: بله، معلوم است که شما نمی‌ترسید.

مفصل‌ترین و مهم‌ترین دیدار صبح، دیدار با «فیدل کاسترو» رئیس‌جمهور کوبا است. هرکدام از این دو رئیس‌جمهور، حدود یک‌ساعت‌ونیم در اجلاس سخنرانی کرده بودند. یعنی حرف‌هایی برای گفتن داشتند. گرچه کاسترو بیشتر شعاری و سطحی حرف زده بود و خودش اعتراف می‌کرد که محتوای نطق آقای خامنه‌ای، یک اتفاق تاریخی در اجلاس بود. کاسترو با یونیفورم مرتب نظامی، درجه‌ها و دکمه‌های طلایی به‌سمتِ آقای خامنه‌ای می‌آید. درمقابلِ اتاق ملاقات، به همدیگر می‌رسند. کاسترو می‌خواهد دست بدهد، اما با تعجب می‌بیند که آقای خامنه‌ای به‌جای دست راست، دست چپ را جلو آورده‌اند. کاسترو با دست چپ دست می‌دهد و در حالی‌که هنوز دست آقای خامنه‌ای را در دست دارد، سوال می‌کند: علت اینکه شما با دست چپ دست دادید چیست؟

آقای خامنه‌ای دست راستشان را کمی بالا می‌آورند، به آن نگاه می‌کنند و می‌گویند: این از ضایعات انقلاب است! کاسترو که متوجه ماجرا شده، دست چپ آقای خامنه‌ای را به نشانهٔ محبت فشار می‌دهد و با افتخاری همراه با شرم می‌گوید: این ضایعات تاریخی و جاودانه است.

در نظر کاسترو، آقای خامنه‌ای با همهٔ رؤسای جمهور دیگر فرق می‌کند. او رنگ و بوی مردی را دارد که بدون کودتا و بدون رابطه با شوروی، آمریکا را در خاورمیانه زمین زد؛ رنگ و بوی امام را. کاسترو مبهوت امام خمینی است و این سید، با این لباس و با این ادبیات، برایش یادآور همان مرد است. چندین بار قصد کرده بود به ایران بیاید و امام را ببیند، اما شروع جنگ و حمایت شوروی از عراق، دست و پای انقلابیِ بزرگِ آمریکای لاتین را بسته است. سفر به ایران به‌معنی مخالفت با جهت‌گیری‌های بلوک شرق است؛ و

کاسترو از سخنرانی دیروز آقای خامنه‌ای شروع می‌کند: «من نطق شما را کامل شنیدم، در این سخنرانی عالی، ارزش‌های اخلاقیِ عالی وجود داشت. شما در مورد اخلاق جوامع صحبت کردید. و این برایِ من خیلی جالب و جدید بود. من باید نطق شما را یک بار دیگر با دقت مطالعه کنم و آن را داشته باشم، تا گاهی به آن رجوع کنم.»

نماد عدم‌تعهد در غرب، متعهد است به این جهت‌گیری‌ها!

کاسترو شخصیت مهم و مورد توجهی در این اجلاس است. چند برابر سایرِ سران محافظ دارد. هرجا وارد می‌شود، نظرها را جذب می‌کند. پُرجذبه، قویِ و محبوب، وقتی در سالن اجلاس حرکت می‌کند، معمولاً یکی، دو نفر از سران کشورها هم پشت همراهانش می‌دوند تا همراهش باشند. رئیس‌جمهوری که به‌جز عوامل خودش، با کسی مصاحبه نمی‌کند. اما در این جلسه، این کاسترو، آن کاسترو نیست. کاسترو متواضع و به‌معنی واقعی کلمه، مجذوب است.

با اینکه ترجمه در دو مرحله انجام می‌شود، اما صمیمی صحبت می‌کنند. مترجم کاسترو، خانمی کوبایی است با موهای قهوه‌ای و با لباسی بسیار ساده. او از اسپانیولی به انگلیسی و برعکس ترجمه می‌کند و مترجم ایرانی، از فارسی به انگلیسی و برعکس. کاسترو از سخنرانی دیروز آقای خامنه‌ای شروع می‌کند: «من نطق شما را کامل شنیدم، در این سخنرانی عالی، ارزش‌های اخلاقیِ عالی وجود داشت. شما در مورد اخلاق جوامع صحبت کردید. و این برایِ من خیلی جالب و جدید بود. من باید نطق شما را یک بار دیگر با دقت مطالعه کنم و آن را داشته باشم، تا گاهی به آن رجوع کنم.»

نقطهٔ خوبی برای شروع است. آقای خامنه‌ای هم از همین موضوع گفتگو را شروع می‌کنند. دیدار بیشتر از یک ساعت طول می‌کشد. در تمام این یک ساعت، کاسترو که معروف بود به پُرحرفی و به اینکه برای نفر مقابلش مجال حرف زدن نمی‌گذارد، کمتر صحبت می‌کند و بیشتر گوش می‌کند. سعی می‌کند وقتی آقای خامنه‌ای حرف می‌زنند، با دقت به چهرهٔ ایشان نگاه کند و از لحن کلام و حالت صورت، مفهوم را حدس بزند. خیلی باهوش است و اغلب، کلیات را درست حدس می‌زند.

*** در نظر کاسترو، آقای خامنه‌ای با همهٔ رؤسای جمهور دیگر فرق می‌کند. او رنگ و بوی مردی را دارد که بدون کودتا و بدون رابطه با شوروی، آمریکا را در خاورمیانه زمین زد؛ رنگ و بوی امام را. کاسترو مبهوت امام خمینی است و این سید، با این لباس و با این ادبیات، برایش یادآور همان مرد است.**

بحث کم‌کم به آفریقای جنوبی می‌کشد. هر دو، از این اعضای بی‌حرکت و سست، شاکی و ناراحت هستند. کاسترو با حرارت می‌گوید: «ما اجلاس را به هراره، در خط مقدم مبارزه با نژادپرست‌های آفریقای جنوبی آورده‌ایم، تا جنبش به حرکت بیفتد و یک اقدامِ اساسی بکند. قرار بود این اجلاس شمشیری علیه آپارتاید باشد، اما ظاهراً امید اثر از این جمع نیست. باید چند کشور اثرگذار جمع شویم و یک فکر اساسی بکنیم. الان باید همهٔ توجهات به آفریقای جنوبی باشد. نیروهای خودِ ما الان در آنگولا مشغول جنگند.» آقای خامنه‌ای در این صحبت هم همان ادبیات محکومیت تجاوزگری را ادامه می‌دهند: «اجلاس اگر به یک نتیجهٔ قطعی و فوری برای آفریقای جنوبی نرسد، مسیرش را گم کرده. باید جلوی تجاوز را گرفت. این مداخله‌ها و درگیری‌هایی که علیه کشورهای خط مقدم می‌شود، مصداق کامل تجاوزگری است.»

بحث بعدی در مورد آمریکای لاتین و به‌خصوص نیکاراگوئه است. کاسترو از این‌همه تسلط آقای خامنه‌ای بر اوضاع مناطقی با این فاصله از ایران، متعجب شده، به‌خصوص که ایران درگیر یکَ جنگ فرسایشی شده و عادی است که از این مسائل بی‌خبر باشد. کاسترو از اوضاع کوبا و آمریکای لاتین تعریف می‌کند و از آقای خامنه‌ای نظر می‌خواهد ـ کاری که کمتر از کاسترو سر می‌زند ـ و ایشان هم تخصصی نظر می‌دهند.

درنهایت هم بحث به جنگ تحمیلی می‌رسد. کاسترو وارد حیطهٔ احتیاط می‌شود و برای پایان یافتن زودتر جنگ، اظهار امیدواری می‌کند و در پاسخ، آنچه حق است می‌شنود. کاسترو با خود فکر می‌کند؛ اگر صدام این‌همه ساده و ابله نبود و این جنگ درنمی‌گرفت، الان انقلاب ایران چه قدرتی داشت.

کاسترو با امید به تکرار این دیدار، و به امید روزی که بتواند به ایران برود و امام و مردم ایران را ببیند، از جلسه خارج می‌شود.

مقامات ایرانی که صبح پرکاری را پشت سر گذاشته‌اند، به‌سمتِ ویلا می‌روند. برای بعدازظهر دو مهمان دارند، به‌علاوهٔ جلسات غیر رسمی.

تعدادی از همراهانِ کمتر معروف آقای خامنه‌ای، بعد از ناهار به سالن اجلاس برمی‌گردند تا از نطق معاون صدام، طه یاسین رمضان خبر بگیرند. طه رمضان آن‌قدر نطقش را به تعویق می‌اندازد تا موگابه از جلسه خارج می‌شود و یاسر عرفات، دوست نزدیکِ صدام، رئیس جلسه می‌شود. حدود نُه ساعت از شروع جلسه گذشته است و دیگر، اکثر صندلی‌ها خالی است.

طه رمضان در نطقش اعتراف می‌کند که صدام، به‌خاطر اوضاع جنگ و تهدیداتی که متوجه رژیم بعث عراق است، نتوانسته به اجلاس بیاید. همین یک جمله، در کنار حضور یک هفته‌ای آقای خامنه‌ای، رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالیِ دفاعِ ایران در هراره، شرایط جنگ را برای همه روشن می‌کند.

زیرپوست جنگ - ۱۲

رقابت محمد رضا پهلوی و صدام در ژاندارمی برای آمریکا در منطقه

*** غسان شربل: مسئولیت [کشتار] حلبچه با کیست؟**

-نزار الخزرجی رئیس ستاد کل رژیم بعث عراق: با سه نفر. صدام حسین (که دستور استفاده از سلاح شیمیایی را صادر کرد) و علی حسن المجید (که اطلاعات اشتباه به او منتقل کرد و پیشنهاد «حمله ویژه» را داد) و حسین کامل هم مسئولیتی دارد چون سازنده این سلاحها بود. علی حسن المجید حتی در عملیات انفال[1] هم از حملات شیمیایی استفاده کرد.

*** فرمانده لشگر [حاضر در شمال عراق] چطور؟ [او در کشتار حلبچه نقشی نداشت؟][2]**

-گفتم که او از این جریان خبر نداشت و به خود من هم این را گفت و دخیل کردن او مطرح هم نبود. درست بعد از حمله، ارتباطات بین نظامیان حاضر در حلبچه با فرمانده لشکر قطع شد.

*** و درباره عملیات انفال در کردستان عراق چه؟**

- در سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۷، ایرانیها توانسته بودند پیشروی‌های بزرگی در منطقه شمالی [خاک عراق] به دست آورند، یعنی جایی که حد فاصل سپاه اول و سپاه پنجم عراق بود. ایرانیها توانسته بودند بخشهای بزرگی از منطقه شمال را اشغال کنند. [در اینجا] دستوری صادر شد که ارتش کارهای دیگر را رها کند و فقط مشغول نبرد با ایرانیها در منطقه مرزی شود تا آنها را [از خاک عراق] بیرون کند. مأموریت برقراری امنیت و ثبات و مقابله با حرکات مسلحانه کردها هم به علی حسن المجید واگذار شد که مسئول حزب در منطقه شمال و عضو شورای فرماندهی قُطری[3] حزب بود. با تصمیم صدام حسین، علی حسن المجید اختیارات کاملی گرفت، از جمله اختیارات شورای فرماندهی انقلاب. و تعدادی از واحدهای نظامی و واحدهایی از «الجیش الشعبی» و واحدهایی از نیروهای نظامی حزبی و چند هنگ از داوطلب‌های کرد را در اختیار گرفت. واحدهای نظامی‌ای که در اختیار علی حسن المجید قرار گرفتند، ارتباطشان با جاهایی که قبلا وابسته به آن بودند قطع شد. در سایه این اختیارات و امکانات، علی حسن المجید روند کشتار و آواره کردن [کردها] (که می‌خواهند بخشی از آن را به من بچسبانند) شروع کرد.

*** مأموریت برقراری امنیت و ثبات و مقابله با حرکات مسلحانه کردها هم به علی حسن المجید واگذار شد که مسئول حزب در منطقه شمال و عضو شورای فرماندهی قُطری حزب بود. با تصمیم صدام حسین، علی حسن المجید اختیارات کاملی گرفت.**

ریاست ستاد مشترک هیچ سلطه‌ای بر روی علی حسن المجید نداشت. او تابع ما نبود و ما حق دخالت نداشتیم. بعضی‌ها می‌گویند پس چرا استعفا ندادی. اینها فراموش کرده‌اند که شورای رهبری انقلاب دستوری صادر و طی آن، استعفای کارمندان را ممنوع اعلام کرده بود.

...* وقتی یک افسر نیروی هوایی دستوری دریافت می‌کند که به جایی حمله شیمیایی کند، چه می‌کند؟

***در سایه این اختیارات و امکانات، علی حسن المجید روند کشتار و آواره کردن [کردها] (که می‌خواهند بخشی از آن را به من بچسبانند) شروع کرد. ریاست ستاد مشترک هیچ سلطه‌ای بر روی علی حسن المجید نداشت. او تابع ما نبود و ما حق دخالت نداشتیم.**

- برخی‌ها بودند که به دلیل خوب عمل نکردن اعدام شدند، اگر مسئله تمرد در برابر دستور باشد چه خواهد شد؟

*** این یعنی آن نظامی‌ها [که بمب شیمیایی را پرتاب کرده‌اند] نباید محاکمه شوند؟**

-این [که کسی حق تمرد نداشته] واقعیتی است که در عراق، همه می‌دانند.

***در ماه مارس سال ۱۹۷۵ و در حاشیه برگزاری کنفرانس اوپک در الجزایر، صدام با شاه ایران محمد رضا پهلوی دیدار کرد و در روز ششم مارس ۱۹۷۵ [۱۵ اسفند ۱۳۵۳] توافقنامه الجزایر برای حل مشکلات مرزی بین دو کشور امضا شد. تو به عنوان کسی که در آن زمان عضو کابینه بودی و کسی که اولین پیغام را در این موضوع از طرف بومدین برای رئیس‌جمهور، [احمد حسن] البکر آوردی، جزئیات بیشتری از این داستان می‌دانی یا اینکه نه، پیغام را آوردی و از چیز [دیگری] خبر نداری؟**

- نه، [فقط] پیغام را آوردم و دیگر از چیزی خبر نداشتم تا زمانی که توافقنامه در سال ۱۹۷۵ امضا شد.

***یعنی تو هم مثل بقیه مردم داستان را شنیدی؟ خبرنداری، صدام با هیچ کدام از شما درباره این موضوع صحبتی نکرده بود؟**

- تا جایی که من می‌دانم او به هیچ‌کس چیزی نگفته بود.

***صدام واقعا در حل این مشکل جدی بود یا می‌خواست [از این توافق] برای یک برهه خاص استفاده کند؟**

-من نظرم بیشتر متمایل به دومی است.

***به؟**

-اینکه او در این موضوع خالص و مخلص نبود.

***اصلا اساس مشکل بین عراق و ایران چه بود؟**

- اختلاف بر سر تقسیم آب شط‌العرب ، اختلافات مرزی مثل هر دو کشور [همسایه] ...

***مثل همه اختلافات [همسایگان].**

-طمع‌های شاه در خلیج‌فارس و بلندپروازی‌های بزرگش که در مقابل برخورد می‌کرد به بلندپروازی‌هایی که صدام هم داشت.

***شاه خودش را ژاندارم آمریکا در منطقه می‌خواند.**

-[ژاندارم] در خلیج‌فارس، بله.

***صدام بر سر این با او رقابت داشت؟**

-وجود مخالفان اصلی [شاه] در بغداد برای مدت طولانی ...

۱- عملیات گسترده ارتش عراق در حد فاصل اسفند ۱۳۶۶ تا شهریور ۱۳۶۷ ضد کردها که طبق گزارش‌ها، در آن تعداد زیادی از کردها (رقمی که حتی دویست هزار تن هم ذکر شده) کشته شدند.

۲- این مصاحبه در زمانی صورت گرفته بود که صدام هنوز بر سر کار بود.

۳- «حزب بعث عربی سوسیالیستی» حزبی است قومگرا. به این معنا که همه عربها را «قومی» واحد و «ملتی» واحد می‌شمارد و بر همین اساس کل جهان عرب را «وطن عربی» می‌خواند. بر پایه همین اصل، حزب بعث از یک شورای رهبری «قومی» برخوردار است که نظراً بر همه شاخه‌های حزب در بخشهای مختلف «وطن عربی» نظارت و رهبری دارد و «مرجع» آن محسوب می‌شود. از طرف دیگر، به کشورهای عربی نیز عنوان «کشور» اطلاق نمی‌شود (چون این، نقض اصل حزب مبنی بر یکپارچه بودن همه کشورهای عربی است) و در عوض به هر کشور عنوان بخش یا به زبان عربی «قُطر» اطلاق می‌گردد. شاخه‌های کشوری حزب بعث نیز شاخه «قُطری» خوانده می‌شوند و شورایی که رهبری شاخه بعث در هر کشور را در اختیار دارد «فرماندهی قُطری» نامیده می‌شود. مثلا فرماندهی قُطری سوریه یعنی شورای رهبری حزب بعث سوریه و فرماندهی قُطری عراق یعنی شورای رهبری حزب بعث عراق. «ارتش مردمی». نیروهای شبه‌نظامی تشکیل شده از افراد داوطلب عراقی.

صفحه پاورقی

روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود

تلفن: ۳۵۲۰۲۱۱۳ Research@kayhan.ir

آگهی مزایده

شرکت کشت و دام قیام اصفهان در نظر دارد دامهای خود را بشرح ذیل از طریق برگزاری مزایده در روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۶/۸/۱۰ به فروش برساند. لذا از متقاضیان دعوت می‌شود در جلسه‌ای که به همین منظور راس ساعت ۱۱ صبح روز مذکور در محل دفتر مرکزی شرکت به آدرس پلیس راه اصفهان، تهران- کیلومتر ۹ جاده علویجه تشکیل می‌شود، حضور بهم رسانند. تلفن تماس: ۳۳۸۰۴۳۳۴-۰۳۱

۱- تعداد ۴۰ راس گاو کشتارگاهی ۲- تعداد ۲۶۶ راس گوساله نر شیرخوار(تعداد ۲۶ راس در واحد ایوان غرب استان ایلام) ۳- تعداد ۵۴ راس گوساله قطع شیر(تعداد ۱۴ راس در واحد ایوان‌غرب استان ایلام)

مجوز حمل سلاح ساچمه‌زنی ۲ لول روی هم به شماره حمل ۰۱۳۲۱۵۸۲۸۷۷۴ ساخت ترکیه به نام محمدعلی نعمتی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای محمدرضا کرابی دارای شناسنامه شماره ۱۲ به شرح دادخواست به کلاسه ۵۱۹۶/۴۹۶ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان علی کرابی به شناسنامه ۰۷۸۰۷۱۸۳۴۶ در تاریخ ۱۳۹۶/۳/۲۹ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- زهرا کرابی ش‌ش ۱۹۸۰ ت‌ت ۱۳۵۴ نسبت با مرحوم مادر مرحوم. ۲- محمدرضا کرابی ش‌ش ۱۲ ت‌ت ۱۳۴۳ نسبت با مرحوم پدر مرحوم. اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.

رئیس شورا- شعبه پنجم شورای حل اختلاف شهرستان سبزوار

خواهان: خانم رویا علی‌پناهی فرزند محمدصدیق به نشانی استان کردستان- شهرستان سنندج- انتهای خیابان آبیدر- جنب کوچه شادی۲

خواندگان: ۱- بنیاد تعاون ارتش به نمایندگی آقای ابراهیم وحدت به نشانی استان کردستان- شهرستان سنندج- شهرک وحدت- دفتر نمایندگی ۲- آقای غلامرضا همتی فرزند ابراهیم به نشانی استان کردستان- شهرستان سنندج- سنندج- خ کشاورز- روبروی مسجد نبی- پ ۲۰

۳- آقای علی عزیزی فرزند حبیب‌الله به نشانی استان کردستان- شهرستان سنندج- سنندج- خ جامی- روبروی بانک تجارت- کابینت‌سازی آبنوس ۴- آقای کیوان رضایی فرزند عزیز به نشانی استان کردستان- شهرستان سنندج- خ شهید بورجردی- روبروی مدرسه- مشاور املاک رضایی ۵- آقای حمدی‌رسولی فرزند رحمان ۶- آقای عبدالله سلطانی فرزند خلیل ۷- آقای عباس خانی فرزند محمدسعید همگی به نشانی مجهول‌المکان

۸- آقای بختیار اختیاری فرزند حیدر به نشانی استان کردستان- شهرستان سنندج- خ کشاورز- روبروی مسجد نبی- پ ۲۰

۹- وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران- دایره حقوقی به نشانی تهران- خیابان نوبنیاد خیابان شهید لنگری چهارراه صنایع ۱۰- آقای جمشید پرویزپور فرزند محمود به نشانی استان کردستان- شهرستان سنندج- مبارک‌آباد- میدان اوراز- املاک پرویزپور ۱۱- ارتش جمهوری اسلامی ایران- دایره حقوقی به نشانی تهران- منطقه ۷- خیابان شریعتی- چهارراه قدوسی- دایره حقوقی

خواسته‌ها: ۱- الزام به تنظیم سند رسمی ملک ۲- مطالبه خسارت دادرسی ۳- الزام به تفکیک ملک

گردشکار: خواهان دادخواستی به خواسته فوق بطرفیت خوانده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت فوق‌العاده دادگاه به تصدی امضاکننده زیر تشکیل است و با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رای می‌نماید.

«رای دادگاه»

در خصوص دادخواست خانم رویا علی‌پناهی فرزند محمد صدیق به طرفیت ۱- بنیاد تعاون ارتش به نمایندگی آقای ابراهیم وحدت ۲- دایره حقوقی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۳- دایره حقوقی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران ۴- آقایان بختیار اختیاری فرزند حیدر ۵- غلامرضا همتی فرزند ابراهیم ۶- عبدالله سلطانی فرزند خلیل ۷- کیوان رضایی فرزند عزیز ۸- عباس خانی فرزند محمدسعید ۹- حمدی رسولی فرزند رحمان ۱۰- جمشید پرویزپور فرزند محمود و ۱۱- علی عزیزی فرزند حبیب‌الله با خواسته الزام به تفکیک ملک و تنظیم سند رسمی ملک به انضمام مطالبه خسارات دادرسی با این توضیح که خواهان در شرح خواسته اظهار نموده: «به موجب برگ واگذاری شماره ۷۴۷-۲۵۹-۱۱۰ و مورخ ۹۰/۲/۱۱ بنیاد تعاون ارتش در سنندج، اینجانبه یک قطعه زمین شماره ۵۸۳ فرعی از پلاکهای ۱۱۷۹ الی ۱۱۸۲ اصلی بخش یک سنندج به مساحت ۱۹۶ مترمربع را از خوانده ردیف ۱۱ خریداری و علیرغم واریز کل قیمت قطعی زمین نامبردگان از تعهدات خود نسبت به تفکیک و انتقال سند ملک موصوف استنکاف نموده‌اند. زمین مذکور از طرف خوانده ردیف اول به خوانده ردیف ۴ و متعاقب آن توسط ایادی بعدی به بنده واگذار شده است...» با توجه به اینکه دولت فقط کسی را که ملک به اسم او ثبت شده و یا کسی را که ملک مزبور به او منتقل گردیده و این انتقال نیز در دفتر املاک به ثبت رسیده... مالک خواهد شناخت و با عنایت به اینکه اسناد عادی در صورتی اعتبار اسناد رسمی را دارند که در دادگاه صحت مفاد آنها اثبات شود و در نتیجه رسیدگی به دعاوی خواهان منوط به اثبات و تنفیذ مبایعه‌نامه‌های عادی و مالکیت وی(انتقال از ایادی قبلی تا به خواهان) می‌باشد لذا دادگاه با استناد به مواد ۲۲ قانون ثبت، ۱۲۹۱ قانون مدنی و ۲ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی قرار عدم استماع دعوی خواهان را صادر و اعلام می‌نماید. قرار صادره ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان کردستان می‌باشد.

دادرس شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی سنندج
رسول رضایی

رونوشت برابر با اصل و اداریست- مدیر دفتر شعبه دوم دادگاه حقوقی سنندج- حسینی

آگهی موت فرضی

خواهان خانم فهیمه رحمانی‌زاده دادخواستی به خواسته صدور حکم موت فرضی تقدیم که به شعبه یک دادگاه خانواده ارجاع به کلاسه ۹۶۰۵۵۷ ثبت گردیده و اعلام داشته که پدرش آقای جلیل رحمانی‌زاده فرزند ماشاءالله متولد ۱۳۱۷/۳/۲ قریب به ۱۱ سال است که از محل سکونت خود واقع در شیراز خارج شده و اثری از وی معلوم نیست و آخرین اقامتگاه وی نیز شیراز می‌باشد. لذا مراتب در اجرای ماده ۱۰۲۰ و ۱۰۲۳ قانون مدنی اعلام و از اشخاصی که ممکن است از غایب فوق خبری داشته باشند دعوت می‌گردد چنانچه خبری دارند مراتب را به شعبه اول دادگاه خانواده شیراز واقع در میدان اطلسی- مجتمع دادگاه‌های خانواده- طبقه پنجم اطلاع دهند.

رئیس شعبه ۱ دادگاه خانواده شیراز- احمد رضا کشتکار

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای فخرالدین سجادی اصل فرزند صدرالدین به شماره‌شناسنامه ۱۴۴ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۴۲/۹۶/ش‌ح۱ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان اسماء سجادی اصل فرزند فخرالدین به شماره‌شناسنامه۴۲۲/۱۵۳۶۴۵ در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۱۴ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- فخرالدین سجادی اصل فرزند صدرالدین به شماره شناسنامه ۱۴۴ متولد ۱۳۵۴ صادره از گچساران (پدر متوفی) ۲- معصومه پیکری‌نسب فرزند آرزومند به شماره‌شناسنامه ۷۱۸۴ متولد ۱۳۵۷ صادره از گچساران (مادر متوفی) ولاغیر.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت یک مرتبه آگهی می‌نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

سیدمحمد فقیهی محمدآبادی- قاضی شورای حل اختلاف شعبه اول شهرستان سمیرم

آگهی فقدان اسناد فروش

اینجانب محمود پهلونی‌نژاد فرزند محمدکریم شماره شناسنامه و کد ملی ۲۱۲۱۲۶۵۴۲۲ صادره از گرگان مالک خودروی پی‌کی مدل ۱۳۸۳ به شماره انتظامی ۱۱۴ب۱۵- ایران۵۹ و شماره موتور M۱۲-۶۸۶۵۷۲ و شماره شاسی ۳۰۳۰۷۰۵ به علت فقدان اسناد فروش و شناسنامه مالکیت(برگ سبز) تقاضای رونوشت المثنی اسناد خودروی مذکور را نموده‌ام. لذا هر کسی ادعایی در خصوص خودروی فوق را دارد ظرف مدت ده(۱۰) روز به دفتر حقوقی شرکت پارس‌خودرو واقع در تهران- جاده قدیم کرج مراجعه نمایند. بدیهی است پس از مهلت مزبور مطابق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

آگهی موضوع ماده۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان

برابر رأی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۳۷۵۴ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای شکراله رضاءاله فرزند محمد بشناسنامه شماره ۱۱۱ صادره از بهبهان به شماره ملی ۱۸۶۰۹۸۸۰۷۵ در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۲۶۵۸/۵۰ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۶۷۸ اصلی واقع در بخش یک بهبهان خریداری از مالک رسمی آقای/خانم به موجب سند رسمی محرز گردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند، می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۷/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۶/۸/۱

کاظمی- رئیس ثبت بهبهان

آگهی حصر وراثت

۷۶۰/۱۸/۹۶ح

آقای محسن شهرت خوش‌اخلاق نام پدر رمضان‌علی بشناسنامه ۴۰۸۸۶ صادره از اهواز درخواستی بخواسته صدور گواهی حصر وراثت تقدیم و توضیح داده که مادرم مرحوم قدرت شهرت سادات ورنو سفادرانی بشناسنامه ۴۷ صادره خمینی شهر در تاریخ ۸۷/۳/۱۴ در شهرستان اهواز اقامتگاه دائم خویش فوت ورثه‌اش عبارتند از ۱- متقاضی محسن خوش‌اخلاق فرزند رمضان‌علی ش‌ش ۴۰۸۸۶ صادره از اهواز ۲- ابوالفضل خوش‌اخلاق ورنو سفادرانی ش‌ش ۲۸۹۰، ۳- مسلم خوش‌اخلاق فرزند رمضان‌علی ش‌ش۳۰۳۰، ۴- مصطفی خوش‌اخلاق فرزند رمضانعلی ش‌ش ۶۲۳۶، ۵- احسان خوش‌اخلاق فرزند رمضانعلی ش‌ش ۱۷۴۱۴۶۳۹۳۹، ۶- حمیدرضا خوش‌اخلاق فرزند رمضانعلی ش‌ش ۱۶۲، ۷- مجید خوش‌اخلاق فرزند رمضانعلی ش‌ش ۴۳۴، ۸- زینب خوش اخلاق فرزند رمضانعلی ش‌ش ۲۱۴۹۰، ۹- اشرف خوش‌اخلاق فرزند رمضانعلی ش‌ش ۳۹۶۴۶، ۱۰- اعظم خوش‌اخلاق فرزند رمضانعلی ش‌ش ۴۲۳۶۵ (همگی فرزندان متوفی) ۱۱- رمضانعلی خوش‌اخلاق ورنو سفادرانی فرزند رضا ش‌ش ۳۶۴ صادره از خمینی شهر (همسر متوفی) ولاغیر ورثه دیگری ندارد. اینک با انجام تشریفات قانونی مراتب مزبور را دریک نوبت آگهی مینماید تا هرکس اعتراض دارد یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه بدادگاه تقدیم دارد و